

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه کافرون

استاد ضرابی ۱۳۹۹

جلسه سوم

آیه شریفه: «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ»

عنوان: تکلیفی که باید ادا کرد

کلمه «قل» با جنبه دستوری خود تکلیفی همگانی بر دوش مؤمنین نهاد که گفتن «نه» به کافران است. اما در مورد چه چیز باید به آنها «نه» گفته شود؟

یقیناً مهمترین و جامعترین موضوع، عبادت است. اما معلوم است که عبادت خدایان باطل، امروزه محدود به چوب و سنگ نمی‌شود. بت‌هایی که بشر امروز می‌پرستد. بت ثروت و قدرت و شهوت، حبّ به خود و متعلقات خود است. این‌ها، بت‌های بشر امروز بشمار می‌روند. «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (ای رسول ما) آیا می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را دانسته (و پس از اتمام حجت) گمراه ساخته و مهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشیده؟ پس او را بعد از خدا دیگر که هدایت خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمی‌شوید؟» (جاثیه/ ۲۳)

حضرت علی (ع) فرموده است: « الْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ - مجاهد واقعی کسی است که با هوس‌های سرکش نفس خود بجنگد ». (حرّ عاملی، ۱۳۹۶ق، ج ۱۱: ۱۲۲)

نفس سوفسطایی آمد می زنش کش زدن باید نه حجت گفتنش

هین مرو اندر پی نفس چو زاغ کاو به گورستان برد نی سوی باغ

گر روی رو در پی عنقای دل سوی قاف و مسجد اقصای دل

و چون کافران اعم از جن و انس هستند، اگر ثروت و قدرت و شهوت جنیان و دیگر موجوداتی که ما نمی شناسیم هم به آن اضافه شود، تصور کنید چه ابعاد گسترده‌ای پیدا می‌کند؟

و از آنجایی که عبادت این بتان امروز به اشکال گوناگونی انجام می‌شود و به حدی است که روح و جان و زندگی همه پرستندگان خود را احاطه کرده است، نفی چنین عبادتی، (لا أعبد ما تعبدون) باید در همه مظاهر و همه زمینه‌ها مورد توجه باشد. حال اگر کسی بخواهد به کافران بطور مطلق بگوید (لا أعبد ما تعبدون) در چه صورتی راستگو و در چه صورتی دروغ خوانده می‌شود؟

راست گوی و راست دان و راست بین راستی کن کج مرو در راه دین

عنوان: چه کسی راست می‌گوید؟

بی‌شک آنان که مصادیق بت‌پرستی نوین را خوب می‌شناسند و از راه شیطان پیروی نمی‌کنند، راستگو هستند و سخن خداوند متعال را در این آیه شریفه اطاعت کرده‌اند. حال اگر آیه شریفه : «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ _ ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را پرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست و اینکه مرا پرستید این است راه راست» (یس/۶۰) را در کنار آیه «لا أعبد ما تعبدون» بگذاریم درمی‌یابیم، خداوند پیروی از شیطان را عبادت شیطان و در مقابل عبادت خود قرار داده است و تنها کسانی که از شیطان پیروی نمی‌کنند، در گفتار خود «لا أعبد ما تعبدون» راستگو هستند.

عیب خود گویم، به عمرم من نکردم بندگی این عبادتها بود سرمایه شرمندگی

دعوی "إِيَّاكَ نَعْبُدُ" يك دروغی بیش نیست من که در جان و سرم باشد هوای بندگی

بت بزرگ بشر امروز همان (پرستش ثروت و قدرت و شهوت) که پیروی از نفس است، با فریب و نیرنگ و حيله‌های شیطانی همراه شده و به پیروی از شیطان و به شیطان پرستی رسیده است. از این رو بت بزرگ «شیطان» است. «.. أَبِیْ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ - شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید.» (بقره/۳۴) « وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...: ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید...» (نحل/۳۶)

رهزنان را رهنما پنداشتی احمد و بوجهل چون هم داشتی

اشقیا را از اولیا نشناختی دین و دنیا را از آن درباختی

رهزنی چون نام خود رهبر کند عامیانرا در هلاکت افکند

ببین اکنون که کور و کر شبان شد علوم دین همه بر آسمان شد

آن که هر از بر نداند ای رفیق رهنمایی چون کند اندر طریق

کرده‌ای اعمی تر از خود پیر راه لاجرم هرگز ندانی ره زچاه

ولی از صحبت نااهل بگریز عبادت خواهی از عادت بپرهیز

امر خداوند این است که به شیاطین بگوئیم «لا أعبد ما تعبدون» ولیکن در امتثال این امر نمی‌توان در حدّ زبان متوقف شد. آنکه در تحت برنامه مراقبه شرط کرده است که از صبحگاهان که از خواب برمی‌خیزد تا به وقت خوابیدن خلاف رضای خدا مرتکب نشود و در طول روز مراقبت کرده که از شیطان پیروی نکند و در هنگام خواب از خود حساب می‌کشد و در صورتی که موفق بوده شکر خدا را بجا می‌آورد و اگر خدایی نکرده تخلفی کرده استغفار و اظهار ندامت می‌کند و تصمیم می‌گیرد که تکرار نشود، می‌تواند امیدوار باشد که پس از اصلاح ظاهر به مرحله بالاتری بار یابد که همان بیرون راندن شیطان از مملکت باطن است.

می‌توان گفت سخن چنین کسی «لا أعبد ما تعبدون» در یک لایه ظاهری از مراتب وجودش حقیقت دارد. و راستگو است و اما تا رسیدن به باطن قلب که عمق وجود انسان است راهی طولانی در پیش دارد و باید از عقبه‌های بسیاری بگذرد.

گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید

هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

عنوان: بیایید از خود بپرسیم

بیایید هر کدام از ما از خودمان بپرسیم آیا اهل محاسبه نفس هستیم؟ اگر نه آیا نمی‌ترسیم بندگی شیطان کنیم «فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ...» - (ای موسی) اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می‌کنند! و آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می‌شود؟!...» (قصص/۵۰)

بیایید هر صبح و شام خود و عزیزانمان را در پناه خدای قادر متعال قرار دهیم. درجهانی سراسر پر خوف و خطر زندگی می‌کنیم که از درون و بیرون، ایمان ما را هدف گرفته‌اند.

خطر آنقدر جدی است که خدای هستی بخش به اهل ایمان هشدار می‌دهد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ...» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید...» (مائده/۱۰۵)

یعنی تو که به خدا و وعده‌های او ایمان داری بدان که چهار قل مشق همیشگی اولیاء خدا بوده است تو نیز به قلبت چهار قل را بیاموز و «قل یا ایها الکافرون» را که چهارمین قل و چهارمین دیوار حصن حصین خداوند از شر دشمنان است از خودت دور نکن.

هیچ حرزی چو دل خود بخدا بستن نیست جان پیوسته بحق را خطر از دشمن نیست